

روزنامه صبح ایران



دولت بار دیگر به واردات گوشت روی آورد

آلودگی هوا فراتر از یک شرایط فصلی بحرانی برای تمام فصول!

آلودگی هوا فراتر از یک شرایط فصلی

بحرانی برای تمام فصول!

صفحه ۳

پایان نفوذ آمریکا به معنای آغاز عصر چین است؟

نفوذ زیرپوستی چین در خاورمیانه!

قابل‌اعتماد امنیتی منطقه تلقی نمی‌شود. این تغییر دیدگاه پس از حمله ایران به پایگاه هوایی العدید در قطر طی جنگ دوازده‌روزه، باعث شده الگوی «حمایت در برابر نفت و تجارت» با آمریکا به میزان زیادی اعتماد خود را از دست بدهد. به‌همین دلیل، کشورهای خلیج فارس تلاش‌های خود برای ایجاد تنوع در همکاری‌های دفاعی را تسریع کرده‌اند. امضای توافق دفاعی متقابل بین عربستان سعودی و پاکستان در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۵ به‌عنوان نقطه عطفی در سیاست امنیتی منطقه، زمینه مناسبی برای ورود بازیگران جدید به صحنه امنیت خلیج فارس فراهم می‌کند.

کاهش هژمونی آمریکا به‌طور طبیعی منافع رقبای این کشور، به‌ویژه چین، را تقویت کرده است. با این حال، علی‌رغم فرصت‌های پیش‌آمده برای گسترش نفوذ، چین همچنان تمایل محدودی به ایفای نقش فعال‌تر در معادلات امنیتی خاورمیانه نشان می‌دهد.

شرح در صفحه ۷

نگاهی به مواضع مختلف و متفاوت علی شمخانی در قبال برجام: از تهران تا مسکو! شمخانی صندلی داغ توافق هسته‌ای و روسیه صفحه ۲	زنگ خطر در کشور به صدا در آمد تورم نقطه‌ای خوراکی‌ها بیش از ۶۴ درصد رسید صفحه ۵	هشدار ی که باید جدی گرفته شود سلامت کودکان تحت تأثیر گرانی غذا صفحه ۸
---	---	---

سخن نخست

توسعه فردی؛ زیربنای جامعه توانمند

در جهانی که سرعت تغییرات از درک بسیاری پیشی گرفته است، جامعه‌ای موفق‌تر است که شهروندانش به رشد فردی، خودآگاهی و مسئولیت‌پذیری باور داشته باشند. توسعه فردی دیگر یک انتخاب شخصی نیست؛ ضرورتی اجتماعی است که با کیفیت تفکر، رفتار و تصمیم‌های هر فرد، بنیان‌های فرهنگی و اقتصادی جامعه را دگرگون می‌کند. در دهه‌های اخیر، گفت‌وگو پیرامون توسعه کشورها عمدتاً بر شاخص‌های



به‌قلم: محمد علی دستمالی

در اکنون ایران و در اکنون نظام حکمرانی ما، آقا مسعود پزشکیان، دقیقاً کجا ایستاده و قوی او چه رنگی است؟ او منظر معجزه است یا به قوی سیاه باور دارد؟

یک پاسخ کوتاه دارم: رییس قوه‌ی مجریه، رویکردی رزنده را در پیش گرفته است. نه او و معاونین و مشاورینش، نه عراقچی، نه تیم اقتصادی و دیگر متولیان ساختار دولتی، عملاً چیزی را گردن نمی‌گیرند! آنها به زبان بی‌زبانی این پیام را منتقل می‌کنند که نه اهل دعوا هستند، نه اهل تصمیمات سخت.

مثال می‌خواهید؟ مثال بسیار است!

پزشکیان از آغاز فعالیتش تا به امروز، نهایتاً در دو نقطه، آن هم با اما و اگر، از توان و اختیارات خود، استفاده کرده است. اول این که یک واتساپ برای ملت رفع فیلتر کرده تا دلشان را شاد کند! دوم این که به شیوه‌ای کژدار و مرزیز، پوشه‌ی قانون بانکی پور و برداران را گذاشته کنار و پای شورای عالی امنیت ملی را به میان آورده است. ولی در دیگر حوزه‌ها، پزشکیان نه تنها اهل تصمیمات سخت نیست، بلکه خودش هم گاهی می‌آید می‌نشیند روی نیمکت ما شهروندان و مانند ما حرف می‌زند و مطالبه می‌کند! غافل از این که بی‌تصمیمی، تعلیق و بلاتکلیفی می‌آورد، تعلیق و بلاتکلیفی، فرسایش و اتلاف وقت و سرمایه می‌آورد و نمی‌توان تا ابد به همین شکل ادامه داد. پزشکیان، تا اینجا ی کار، حتی فکری به حال انقلاب در بودجه‌ریزی سال آنی نکرده و جرات نکرده برای ریخت و پاش‌های نهادی پیچیده و فاقد بهره‌وری، تدبیری بیاندیشد. اگر حاکمیت، تصمیمی جدی برای تصمیم‌گیری نشان دهد، با این دولت و این مجلس، اداره کردن کشور با اقق‌های جدید، آسان نخواهد بود.

شده بود و وقتی که درباره‌ی مفهوم «آینده» و «احتمالات» و اگر‌ها صحبت می‌شد، خیلی‌ها به این گزینه هم فکر می‌کردند: «به اتفاقی می‌افتد و همه چیز دگرگون می‌شود».

می‌توان ماهیت و نوع سنتی و عوامانه‌ی آن شیوه‌ی محاسبات را همچون «به زمان آتی حواله دادن»، «فرداسپاری» و حرکت در امتداد ضرب المثل «از این ستون تا اون ستون فرجیه»، تشبیه کرد. اما نوع نخبگانی آن، چند بستر متفاوت دارد: رنگ و روی دینی آن را می‌شود به عنوان تفکری مبتنی بر توکل مومنانه، انتظار معجزه، امید به پدیدضاء و امداد غیبی قلمداد کرد. ورژن و نسخه‌ی سکولارش هم نهایتاً یا به سمت دیالکتیک و تقدیرگرایی تاریخی می‌رود، یا امید به کمک و مداخله‌ی عنصر خارجی. یعنی وقتی تصور ما از مفهوم بنیادینی به نام آینده، یک حال و هوای «آمدنی» باشد و نه یک فضای «ساختنی»، احتمالاً بسته به این که در کدام دوعکده؛ دوغ نوشیده باشیم، یکی از این دو راه را در برمی گیریم. به عبارتی روشن، هم کسانی که برای حل مشکلات حکمرانی و کشور، در انتظار معجزه و امداد غیبی هستند و هم دسته‌ای که تمام احتمالاتی محتمل را رد کرده و در انتظار قوی سیاه می‌نشینند، هر دو در یک ایستگاه ایستاده‌اند. ایستگاهی که در آن «عاملیت» کنار نهاده شده و «اتفعال» و «بی تصمیمی» به سبک و رویه تبدیل شده است. هم «معجزه گرایان» و هم «قوی سیاه گرایان»؛ به جای «اصلاحات نهادی» و «تصمیمات سخت»، ترجیح می‌دهند به امید یک رویداد نجات‌بخش بمانند و چنین بیاندیشند که راه حل، خارج از اصلاحات عادی و خارج از کار نهادی درجیجی است. به عبارتی دیگر، دنبال رویداد هستند و نه باورمند به فرایند!

قوی پزشکیان چه رنگی است؟

تا. شما هم دو تا بگو بشه شانزده سناریو. یا اصلا دو تا نگو، یکی بگو! قبوله؟» پاسخ: «نچ! اینایی که نوشتی، همه شون قوی سفیدند. قوی سیاه کو پس؟ شما آن قدر قوی سفید دیدی که تصور می‌کنی همه‌ی قوها سفید هستند. پس گرفتار مدل‌های ساده و قابل پیشبینی هستی. یادت باشد، بر اساس آموزه‌های نیکولاس طالب، قوی سیاه، سه ویژگی دارد: ۱. خارج از قلمرو انتظارات عادی، همیشگی و منظم ماست. ۲. تأثیر بسیار زیاد و دگرگون‌کننده دارد. ۳. قابل پیشبینی نیست. ولی وقتی که روی می‌دهد؛ مردم سعی می‌کنند آن را طوری توجیه کنند که گویی از قبل، قابل پیش‌بینی بوده است».

شاید این همان نقطه‌ای باشد که در انتظار قوی سیاه نشستن، شباهت تام و تمامی دارد با آرزوی معجزه و امداد غیبی.

ایرادی دارد کسی منتظر امداد غیبی یا معجزت الهی باشد؟

خیر. نه تنها ایراد و اشکالی ندارد. بلکه چنین رفتاری؛ ریشه در باور دینی افراد دارد و نمی‌توان کسی را در دنیای فردی خودش و در اموری که با اراده و سرنوشت و زیست خود او ربط دارد، به این دلیل مواخذه کرد. اما در امور عینی و دنیوی و در پهنه و گستره‌ای که دانش و حافظه‌ی علمی، تمدنی و اجتماعی داریم، زیست خودمان را بر اساس ترتیبات عادی و طبیعی امور می‌سنجیم و نیک می‌دانیم که امور عینی و ملموسی مانند کمبود تخت‌های بیمارستانی، مدارس کپری – کانتینری، کمبود برق، آلودگی هوا، توانایی در تأمین مالی، کسری بودجه و نظایر آنها، نیاز به تدبیر دنیوی و انسانی و نهادی دارد. حتی قبل از آن که جناب نیکولاس طالب کتاب وزین «قوی سیاه» را روانه‌ی بازار کند، در ستّ فکری و سیاسی ما، جایی برای احتمالات پیشبینی نشده لحاظ

فرسودگی زیرساخت‌های حمل و نقل و بهداشت و آموزش و اینها هم هست، در نظام سیاسی انتخاباتی‌مان هم مشکل داریم، مشارکت مردم در انتخابات به شدت پایین آمده و این عدم مشارکت در کنار انتقادات و مطالبات بر زمین مانده و فیلترینگ و یک بام و دو هوا موجب کاهش اعتماد و مشروعیت شده، در بخش نهادی هم مشکلات بزرگی مانند ناکارآمدی و بهره وری پایین و فساد مالی هستیم، نظام بانکداری و بازار بورس‌مان مشکل جدی دارد، تورم و ابهام دربرای آینده نیز باعث شده هر نوع سرمایه گذاری و تولید و خرید و فروش با عدم قطعیت روبرو شود. پس قضیه را باید جدی گرفت. ما عملاً انباشت بحران داریم. آیا احتمالاً ایران آبادی‌های علیا نیز مانند ما سفلی نشین‌ها فکر می‌کنند ولی در ظاهر نمی‌خواهند خودشان را از تک و تا بیاندازند یا نه؟! معلوم نیست. شاید! شاید هم نه! اما از این مطمئنم که این اختلاف نظر و شکاف معرفتی عظیم، بسیار خطرناکتر و مهلک‌تر از چیزیزست که تصور می‌شود. در ادامه خواهیم گفت که این دو گروه متفاوت و گاه متخاصم، ممکن است در کدام نقطه شباهت فکری پیدا کنند. وقتی دربرای احتمالات آینده و مسیر پیش روی کشور، جامعه و حکمرانی ایران صحبت می‌کنیم، هستند دوستانی که به راحتی آب خوردن، تمام سناریوهای محتمل و پیشبینی شده را رد می‌کنند و می‌گویند: «(باید منتظر قوی سیاه بود)». شما قلم و کاغذ روی میز می‌گذارید و به زعم خودتان، با برهان و استدلال، چند احتمال دور و نزدیک مطرح می‌کنید. ولی طرف مقابل، هیچکدام از آن احتمالات را دوست ندارد! می‌گویند: «شما هم سناریوی احتمالی خود را بگو تا در این لیست، اضافه کنیم. تا اینجا ی کار، این شده چهارده

نظام حکمرانی در ایران، پیش‌تر به طور غالب روی فرکانس‌های حافظ، مولانا و گاهی فردوسی تنظیم می‌شد. اما ظاهراً اکنون در خیامی‌ترین شرایط ممکن هستیم و کسی را «غم فردا» نیست. با یک پیش فرض شروع می‌کنم تا بتوانم توضیح دهم که چرا حال و روز کنونی کشور را در خیامی‌ترین شرایط ممکن می‌بینم. پیش فرض من این است؛ ما دو نوع تصور کلی دربرای وضعیت فعلی ایران، مردم و نظام حکمرانی‌مان داریم: اول؛ ایران آبادی‌های علیا بر این باورند: وضعیت عادی‌ه، نترسید. الکی خوف و توهم نگیرد‌تان. ما هم کشوری مٹ همه‌ی کشورهای عالم. به سری امتیاز داریم، به سری مشکلات داریم. ولی مٹ بچه‌ی آدم داریم زندگی می‌کنیم و هیچ چیز غیرعادی و نگران‌کننده‌ای وجود ندارد.

ممکنه مشکل داشته باشیم، اما معضل و بحران، حاشا و کلاً. دوم؛ ایران آبادی‌های سفلی می‌گویند: نه. ... این یک وضعیت عادی نیست.

ما در یک شرایط تعویقی-تعلیقی-معلقی و فریزشدگی خاص به سر می‌بریم.

فشار تحریم‌های بین‌المللی، اقتصاد و صادرات و تولید ما را فلج کرده و علاوه بر این که رابطه‌ی چندانی با عالم نداریم، با تنگنای معیشتی روبرو هستیم.

در برابر تغییرات اقلیمی و خشکسالی و مشکلات زیست محیطی هم قرار گرفته‌ایم و اداریه کشور و جامعه به این شکل فعلی، سخت و فرسایشی و هزینه ساز است. بیکاری و مهاجرت هم مزیر علت شده، کمبود برق و گاز و

یادداشت

گفتگوی کنش‌گران با مدیران حوزه آب

به‌تازگی نشست‌های گفتگویی به ابتکار گروه مردمی زاگرس مهران با عنوان «یک جرعه علوم انسانی» میان شماری از مدیران ارشد آب که در وزارت نیرو مسئولیت دارند، چند تن از مدیران سازمان محیط حضوری و با کار رسانه‌ای، نقدهای اجتماعی و محیط زیست شکل گرفته است.

گفتگو در زمینه‌ی آب، شامل مسائل سدسازی و انتقال آب و مدیریت منابع آب زیرزمینی، البته پیشینه‌ی کوتاهی ندارد و دست‌کم از میانه‌های دهه‌ی هشتاد کنش‌گران محیط زیست کوشیده‌اند تا در دیدارهای حضوری و با کار رسانه‌ای، نقدهای خود نسبت به برنامه‌های آبی را به گوش مدیران این حوزه برسانند. در این زمینه، ده‌ها کارشناس و و فعال مدنی و انجمن کتاب‌ها و مقاله‌ها نوشته یا ترجمه کرده‌اند، صدها نشست برگزار کرده‌اند، هزاران یادداشت منتشر ساخته‌اند، و تجمع‌های اعتراضی پرشماری را هم سازمان داده‌اند. اما، نشست‌های اخیر ویژگی‌هایی دارد که پیش از این کم‌تر بود یا نبود.

در چند نشست حضوری و مجازی که در هفته‌های اخیر برگزار شده، رگه‌ای از صمیمیت و نقدپذیری در میان مدیران و توجه

ایشان به مسائل اجتماعی (و نه فقط مهندسی) آب، و گونه‌ای مداراگری و میل به درس‌آموزی بیشتر در میان کنش‌گران به چشم می‌خورد که در مجموع نشانگر پختگی هر دو گروه و احساس مسئولیت قوی آنان در چاره‌اندیشی برای موضوع آب است. برای نمونه اشاره می‌کنم به گفت‌ووشنیدهایی که با سخنگوی صنعت آب و مدیران آب‌های مرزی در زمینه‌ی لزوم اصلاحات نهادی در بخش آب، و نقش دیپلماسی در حفاظت هورالعظیم داشته‌ایم. این نشست‌ها با امکان گفتگو و انتقاد دوطرفه و بدون معذوریت‌های رسمی در یک فضای خودمانی برگزار شد و اگر ادامه یابد می‌تواند روزنه‌ای باشد برای بازنگری در طرح‌های آبی از سوی دولتی‌ها، و افزایش آگاهی و ارتقای مطالبه‌گری افراد و انجمن‌های غیردولتی.

در این نشست‌ها، مدیران دولتی مشخصاً از سازمان‌های غیردولتی می‌خواستند که حضور نیرومندانه‌تری در فعالیت‌های برون‌مرزی، مثلاً در موضوع حقایبه‌ی هورالعظیم داشته باشند. غیردولتی‌ها هم اشاره کردند که ارتباطایشان با سازمان‌ها و اشخاص خارجی به‌طور معمول زیر نگاه غیرواقع‌بینانه یا

واقعیت‌ها امنیتی بوده که کنش‌گری را پرهزینه و دردسرساز کرده است. نتیجه‌ی این نگاه، غالباً کنار گذاشتن فعالیت‌ها و دلسردی و در بسیاری موارد مهاجرت بوده است. در نشست‌ها همچنین مشخص شد که مدیران دولتی در مجموع در زمینه‌ی فعالیت‌های کنش‌گران حوزه‌ی آب که شامل مجموعه‌ای غنی و پرشمار از نوشتارها، ارتباط با جامعه‌های محلی، کوشش برای حفظ یا نجات‌بخشی رودها و تالاب‌ها و حیات وحش آیزی یا کنارآیزی است، بی‌خبر یا کم‌خبر هستند.

در زمینه‌ی آب‌های مرزی و وضع وخیم تالاب هورالعظیم، مدیران بیشتر بر این نکته تأکید داشتند که مقصر اصلی در خشک شدن تالاب (حتی پس از آنگیری سد ایلیسو در ترکیه) کشور عراق است که چه در زمان صدام و چه پس از آن با ساخت سد‌ها و دریاچه‌های عظیم (مانند گود ثرثان) بیش از صد میلیارد مترمکعب آب را در داخل آن کشور مهار کرده و مانع رسیدن آن به هورها می‌شود. همچنین گفتند که سد کرخه در کاهش آب هورالعظیم نقشی نداشته زیرا رودخانه‌ی کرخه فقط در حدود ده درصد آب هورالعظیم را تأمین می‌کرده است.

بديبنانه‌ی امنیتی بوده که کنش‌گری را پرهزینه و دردسرساز کرده است. نتیجه‌ی این نگاه، غالباً کنار گذاشتن فعالیت‌ها و دلسردی و در بسیاری موارد مهاجرت بوده است. در نشست‌ها همچنین مشخص شد که مدیران دولتی در مجموع در زمینه‌ی فعالیت‌های کنش‌گران حوزه‌ی آب که شامل مجموعه‌ای غنی و پرشمار از نوشتارها، ارتباط با جامعه‌های محلی، کوشش برای حفظ یا نجات‌بخشی رودها و تالاب‌ها و حیات وحش آیزی یا کنارآیزی است، بی‌خبر یا کم‌خبر هستند.

از چند دهه پیش خرید حقایبه‌های کشاورزان برای تخصیص به شهرهایی مانندلس آنجلس یا صنایع کالیفرنیا متداول بوده‌است. در ایران هم که مطابق قانون، آب «ملی» است، همه‌ی چاه‌های عمیق که عامل اصلی تخلیه‌ای آبخوان‌ها و فرونشست زمین‌اند، دارای حقایبه‌دار هستند و این حقایبه‌ها در بازارهای محل مطابق سازوکارهای بازار خرید و فروش می‌شوند یا اجاره داده می‌شوند.

به نظر من، طرح موضوع بازار، با توجه به این که وزارت نیرو هنوز نپذیرفته که سیاست‌های سازه‌ای تخریبگر رواناب‌ها، و حکمرانی بد عامل نابودی آب‌های کشور بوده، رافکتنی به قصد تیرتیر‌ی آن وزارتخانه و هم‌زمان سپردن آب، این دارایی همگانی مردم، به دست سوداگران ثروتمند است.

شاید گفتگوهای بیشتر بتواند سویه‌های بیشتری از موضوع نقش آفرینی نهاد بازار در مسئله‌ی آب را روشن کند. به هر حال، نشست‌های «یک جرعه علوم انسانی» در صورت ادامه یافتن و در صورتی که مجموعه‌ی حکومت بخواهد در موضوع مدیریت آب بازنگری ریشه‌ای و مردم‌دارانه کند، می‌تواند در بافتن راهی برای برون‌رفت از «چندبحرانی» در حوزه‌ی آب مفید و مؤثر باشد.